

لبنان میان جنگ و صلح



سردبانه

محمد امین ایمانجانی
مدیر مسئول

لبنان در سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری در موقعیتی شکننده و در عین حال تعیین‌کننده برای آینده سیاسی و امنیتی خود و منطقه قرار گرفته است. کشوری که همواره در خط تماس میان منافع متعارض قدرت‌ها بوده، اکنون در نقطه‌ای ایستاده است که می‌توان آن را «حرکت بر لبه پرتگاه» توصیف کرد. ساختار سیاسی بدون انسجام، اقتصاد آسیب‌دیده، وابستگی به کمک‌های خارجی و عدم توازن سیاسی احزاب که هم بخشی از معادله سیاسی داخلی و هم بازیگری امنیتی با ابعاد منطقه‌ای است همگی شرایطی را شکل داده‌اند که اکنون بسیاری بر این باورند لبنان به یک جنگ داخلی جدید نزدیک شده است؛ جنگی که هنوز آغاز نشده، اما تهدید آن به عنوان ابزاری برای فشار خارجی و داخلی به صورت دائمی در فضای سیاسی این کشور حضور دارد.

پس از سال‌ها خلأ قدرت و عدم توافق میان گروه‌های سیاسی، انتخاب رئیس‌جمهور در لبنان به ظاهر نشانه‌ای از حرکت به سمت ثبات بود. با این حال، این انتخاب نه تنها گرمی از معضلات اساسی کشور نگشود، بلکه خود به بستری برای افزایش فشارهای خارجی بدل شد. ایالات متحده و فرانسه، در چهارچوب راهبردهای خود برای بازسازی و کنترل مسیر تحولات لبنان، وعده‌های اقتصادی و توسعه را با شرط خلع سلاح مقاومت گره زده‌اند. این شرط‌گذاری در حالی صورت می‌گیرد که واقعیت سلاح حزب‌الله صرفاً یک ابزار نظامی نیست، بلکه بازتابی از فرایند ناکام دولت‌سازی در غرب آسیا و به ویژه در لبنان است که نادیده گرفته می‌شود. در شرایطی که دولت مرکزی در مواجهه با تهدیدات خارجی کارآمدی خود را از دست داده و ارتش ملی ظرفیت دفاعی کافی ندارد، نیروهای اجتماعی ناگزیر از دستیابی به ابزارهای دفاعی خود شده‌اند.

ادامه در صفحه ۷

لحظه فهم ایران



یادداشت

سید جواد نقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

نزاع بین باستان‌گرایی افراطی که شکلی از فاشیسم را درون خود دارد و همه را نفی می‌کند تا خود را اثبات کند و نوعی شیعه‌گرایی که رابطه‌ای به حکمرانی ندارد و دیگری خود را مثلاً اهل سنت یا وهابی‌های در منطقه تعریف می‌کند همیشه وجود داشته است در نقطه‌ای دو نگاه رادیکال به صورت یکدیگر چنگ هم می‌اندازند و کافی است فقط کمی فضا احساسی شود تا دو گروه با حمله‌های شدید نشان دهند که فقط خودشان را صاحب فهم می‌دانند؛ اما هر دو طیف به لحاظ اجتماعی اندک هستند و فهمی از وضعیت تاریخی و اکنون و آینده ما ندارند؛ در واقع هر دو سر طیف بر ساخت و تصویری مالیخولیای خود دارند؛ که نسبتی با واقعیت ندارد؛ برای فهم این طیف اندک کافی است درک حداقلی این دو طیف را نسبت به تاریخ و اکنون و آینده نشان دهیم.

باستان‌گرایی

در دل تصویر باستان‌گرایی رادیکال در تاریخ انتخابی عجولانه و غیرسندی و کاملاً احساسی وجود دارد که چند هزار سال زیستن در فلات ایران در حکومت‌های گوناگون و شرایط مختلف خلاصه می‌شود در تصویر غیرواقعی از کوروش و مقطعی از دوره حکومت ساسانیان که با حمله اعراب به پایان می‌رسد در حقیقت این تصویر واقعی نیست نه تنها حکومت ساسانی با حمله اعراب از بین نرفته است بلکه حمله اعراب هم با خوانش حداقلی زرین‌کوب و فهمی که در کتاب دو قرن سکوت رواج داده درک شده که این روزها با اسناد وسیعی که وجود دارد؛ به هیچ عنوان واقعی نیست نه تنها حمله اعراب با مقیاسی که زرین‌کوب می‌گوید درست نیست بلکه واقعیت اینکه ایران ساسانی از مدت‌ها قبل تر با اعراب در حال تبادل اقتصادی و فرهنگی بوده است و تصویر حمله اعراب نوعی درک اگرچره شده است و به نوعی پایان حکومت ساسانی خیلی ربطی به حمله اعراب ندارد و شکاف گسترده و بحران‌های وسیعی که از چند دهه قبل تر وجود داشته زمینه را برای گسترش افکار اسلامی فراهم کرده بوده است؛ بحثی هم که در حوزه ایده کوروش کبیر وجود دارد به نوعی برساختی از یک چهره برای تقابل با اسلام ساخته شده در ذهن ایده باستان‌گرایی است که زاده ایده تقابلی است یعنی کوروش به گونه‌ای پرداخت می‌شود که در مقابل اسلام و چهره‌های اسلامی فقط تعریف می‌شود.

ادامه در صفحه ۷

فرهنگکار

سفر لاریجانی به عربستان بعد از حمله صهیونیست‌ها
به دوحه چه ایده‌ای را دنبال می‌کند؟

باز آرای امنیتی منطقه

شماره ۴۵۰۷
صفحه ۱۶
۱۰۰۰۰ تومان

چهارشنبه
۲۶ شهریور ۱۴۰۴
۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵

۲

اقتصاد نیم سال دوم به روایت فرزین

رئیس بانک مرکزی می‌گوید نشانه‌های امیدبخشی دیده می‌شود

۱۶

علت انتخاب معلوم

سایه و روشن

فیلم انتخاب شده برای اسکار

۱۲

هلدینگ خلیج فارس دوازدهم جهان شد

یک خبر خوب در پتروشیمی

۱۶

تقدیر رهبر انقلاب
از قهرمانان کشتی

۱۱

کشتی ایران بعد از ۱۲ سال
بر بام جهان ایستاد

کشتی ایران بعد از ۱۲ سال
بر بام جهان ایستاد

